

بررسی تطبیقی نقوش متقارن در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر بیزانس

زهرا دهقانی
دکتر حسین مهر پویا

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۲۰

چکیده: در بررسی تاریخ هنر بیزانس، تأثیر ویژه هنر ایران ساسانی کم نظیر است. در این میان تقلید از روی نقوش مختلف ساسانی بخصوص نقوش متقارن در هنرهای دوره بیزانس بسیار معمول بوده است. آثار هنری ایران، که از طرق مختلف به بیزانس سرازیر می‌شد، باعث انتقال این نقوش و طرح‌ها می‌شده است. تجارت پرسود منسوجات بافته شده با طرح‌های متنوع، اشیای فلزکاری و دیگر آثار و همچنین دست به دست شدن مناطقی نظیر انطاکیه، و یا روابط سیاسی و حتی درگیری‌های نظامی، از علل مهم تبادلات فرهنگی آن دوران به شمار می‌آیند، که به تدریج باعث نفوذ و انتقال طرح‌ها و موتیف‌های ساسانی به هنر بیزانس گردید. عناصر و نقشمایه‌های ساسانی به دلایل گوناگونی از جمله مذهب، جنبش‌های دینی و مناطقی که تحت تأثیر نفوذ فرهنگی ایران قرار داشتند، مورد پذیرش هنرمندان بیزانس قرار گرفتند. اگرچه نقوش متقارن ساسانی در هنر بیزانس پذیرفته شده‌اند، هنرمندان بیزانس در جهت همراهی این نقوش با فرهنگ مسیحی و گذشته رومی و یونانی ایشان گاه تغییراتی را در موضوع یا مفاهیم آنها ایجاد نمودند. در حالی که در بسیاری از موارد هم عیناً تقلید و کپی برداری از روی نقوش ساسانی و یا از مفاهیم و سبک پردازی آن انجام شده است، تا جایی که منجر به ایجاد سبکی ترکیبی از هنر ایرانی- بیزانسی می‌گردد.

واژگان کلیدی: نقوش متقارن، هنر ساسانی، هنر بیزانس، مدالیون

مقدمه

امپراتوری بیزانس که در سال ۳۳۰ م. بنا نهاده شد، یکی از مهمترین تمدن‌های مجاور با کشور ایران بود. (فرهنگ بیزانسی علاوه بر ریشه‌های باستانی‌اش، از روستا امپراتوری با جوامع خاور نزدیک، به ویژه شاهنشاهی ساسانی، متأثر بود. به عنوان مثال بیزانسی‌ها مجموعه تشریفات دور و بر امپراتور را از ایرانیان اقتباس کردند.) (آ. کوریک، ۱۳۸۴، ۵۷)

بسیاری از عناصر هنر ایران، همچون نقوش حیوانی از طرق مختلف وارد هنر و فرهنگ بیزانسی شدند، و تا مدت‌های مدید به عنوان تزئینات وابسته به هنر ایشان، مورد استفاده قرار گرفتند. از جمله می‌توان از نقوش متقارن نام برد، که بیش از هر چیز شامل دو موتیف همسان رو در روی هم و یا پشت به هم می‌باشند. این نقوش سهم مهمی از تزئینات هنر ایران و بیزانس را برعهده دارند. در این مقاله سعی بر آن است که با بررسی روابط ایران با کشور همسایه خود، بیزانس، تأثیر موتیف‌های ایرانی، به ویژه نقوش متقارن و تمایل به قرینه‌سازی را بر هنر روم شرقی، بررسی نماید. همچنین با نگرشی تطبیقی به این نقوش، وجوه تشابه و افتراق آنها را بیان نموده و زمینه‌ها و دلایل نفوذ این نقوش به هنر بیزانس را ذکر نماید.

مهارت و ابتکار ایرانیان در خلق موتیف‌های تزئینی، دارای سابقه‌های بسیار طولانی است. هنر دوران ساسانی علاوه بر ابتکار و نوآوری، میراث‌دار هنر گذشته خود نیز می‌باشد. «فرهنگ ساسانیان از یک طرف وارث سنت‌های فرهنگی ایران هخامنشیان بود، که در میهن و زادگاه ساسانیان در فارس پایدار مانده، و از طرفی جانشین فرهنگ سلوکیان و پارت‌ها و متجلی به مظاهر و تمدن یونان قدیم بود» (دیاکونوف، ۱۳۸۴، ۳۶۳). در حالیکه در فرهنگ و تمدن دوره ساسانی، بیش از دوره پارتی، عناصر ملی ایرانیان بروز نموده و با غنای کم‌نظیری تجلی یافته‌است. تمدن غنی و بزرگی که در دوره ساسانیان در ایران به وجود آمد، در پیشرفت تمدن و فرهنگ ملل آسیا و اروپای شرقی، اهمیت فراوان داشته است. ایران در این دوران میان امپراتوری روم شرقی در غرب و هندوستان و چین در شرق قرار گرفته بود، به همین دلیل واسطه داد و ستد و تجارت کشورهای مذکور بود. در نتیجه چنین موقعیتی، مبادلات فرهنگی و هنری نیز بین این همسایگان به وفور و به شکل‌های گوناگون صورت می‌گرفت.

* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان. kimiya.art1979@yahoo.com
** استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان. mehrpouya@yahoo.com

◆ نقوش متقارن در هنر ساسانی

عناصر و موتیف‌های حیوانی، سهم بزرگی را در تزئین اشیای باستانی، به خود اختصاص داده‌اند. تمام نقوش حیوانی و تزئینی، چه واقعی باشند چه تخیلی، تنها باشند یا متقارن، در حال جنگ باشند، یا در هم پیچیده شده باشند، بخش حیاتی هنر تزئینات اروپا و آسیا را به خود اختصاص داده‌اند (Trilling, 2001, 120)

از میان عناصر بسیاری که در طی قرون متمادی شکل گرفتند، نقوش متقارن (روبرویی و پشت به پشت) از اهمیت ویژه‌ای در دوران ساسانی برخوردار گشتند، و به نمادی از هنر و فرهنگ ایرانی تبدیل شدند. هنرمندان ساسانی این نقوش را با علاقه خاص در آثار هنری خود به کار بردند. نمونه آن را می‌توان در حجاری، فلزکاری، و از همه مهمتر پارچه‌های آن دوران مشاهده نمود.

الف. فلزکاری

هنرمندان ساسانی با انگیزه‌های فرهنگی و بازرگانی و سیاسی به خلق آثار فلزی، با نقوش و نگاره‌هایی که متناسب با ظروف فلزی بود، می‌پرداختند. که این خود باعث پیدایش انگاره‌های متنوع و بدیعی شد. ساخت ظروف از فلزهای قیمتی در عصر ساسانیان پیشرفت زیادی داشته و به درجه عالی رسیده بود. از نقش مایه‌های این ظروف می‌توان به، شاه نشسته بر تخت، اعطای منصب، صحنه‌های شکار، رامشگران، مراسم ضیافت، حیوانات افسانه‌ای و خیالی، ترکیبی و متقارن، اشاره داشت. از آنجا که نقوش و طراحی این ظروف بیشتر جنبه تزئینی داشته، طبیعت‌گرایی چندان رعایت نشده است؛ در ضمن هنرمندان این دوره در ترسیم نقش حیوانات، مهارت بسیار زیادی داشتند (وزیری، ۱۳۸۳، ۱۳۸). با توجه به این امر که انحصار تولید جامه‌ای سیمین از قرن چهارم تا ششم میلادی، در اختیار شاه بوده است، بنابراین می‌توان اینگونه استنباط نمود که «جنبه تبلیغی و سیاسی در ساخت این ظروف مدنظر بوده و احتمالاً به عنوان عطایای شاهانه در مبادله هدایا به کار می‌رفته است» (ویسهوفر، ۱۳۸۵، ۲۰۶).

نمونه این ظروف که با نقوش متقارن مزین گشته، بشقاب فلزی متعلق به قرن ۷-۶م. است. سطح داخلی این بشقاب، نقش دو بز کوهی در حالی که بر روی دو پا بلند شده‌اند، در کنار درختی که شاخه‌هایش به شکل شاخه‌های درخت انگور ترسیم شده، دیده می‌شوند. شاخه‌های این درخت در انتها به صورت طرح فرخورده،

تزئین شده‌است. در انتهای شاخه‌ها، انگور، برگ، گل سرخ، ستاره و کاسه گل دیده می‌شود. همچنین بر این شاخه‌ها، طاووس‌های نر، پرندگانی با دم‌های بلند پر دار، یک جفت طاووس ماده به شکل متقارن، روبروی هم قرار گرفته‌اند (گانتز، جت، ۱۳۸۳، ۱۷۸).



تصویر ۱: بشقاب فلزی، قرن ۷-۶م، نقره زارندوب، مجموعه آرتور. ام. سالکر (گانتز، جت، ۱۳۸۳، ۵۰)

ب. بافندگی

هنر بافندگی یکی از متداول‌ترین و پیشرفته‌ترین صنایع دوره ساسانی به شمار می‌آید. از نوشته‌های مورخان می‌توان دریافت که ابریشم بافی به ویژه بافت پارچه‌های زری، از سده چهارم میلادی در ایران رایج بودهاست (شپرد، ۱۳۷۷، ۶۲۴). موتیف‌های تزئینی پارچه‌های ساسانی، غالباً درون قاب‌های مدور یا گوشه‌دار هندسی، به صورت جداگانه یا مماس بر هم نقش شده‌اند. این قاب‌های هندسی غالباً با حاشیه مرواریددوژی و گاه ساده، مشخص شده‌اند. نقش درون آنها گاه به صورت منفرد و گاه به طور قرینه، که در این صورت کاملاً از تقابل تبعیت کرده‌اند، به تصویر درآمده است. گاه در میان نقوش قرینه، درخت زندگی نیز دیده می‌شود. نقوش به کار رفته در پارچه‌های این دوران، بیشتر شامل طرح‌های انسانی و حیوانی است. (روح فر، ۱۳۸۰، ۴۰۵). به واقع عشق ایرانیان به اشکال و تصاویر حیوانات، در بافندگی و نساجی نیز ظاهر گشته است. در بین آنها تصویر حیوانات خیالی مانند عنقا، اسب بالدار، گاو

بالدار، قوچ و گراز وحشی به چشم می‌خورد، و همچنین تصویر پرندگان و مرغ‌های مختلف که نوارهای مخصوص زمان ساسانی را به گردن دارند از دیگر نقوش مورد علاقه هنرمندان ساسانی به شمار می‌آیند.



تصویر ۳: ایران شرقی، شیران متقابل، سده های ۹-۸م، نانسی (Bloom, Blair, 1998, 80)



تصویر ۲: پارچه ابریشمی، شیرهای متقارن در برابر آتشدان، سده ۹م. (۹)، خزانه کلیسای نوتردام دلاکوئور (گدار، ۱۳۷۷، ۳۰۰)

ج. دیگر آثار

بیشترین نقوش قرینه را می توان بر بافته های ساسانی مشاهده کرد، اما متأسفانه به دلیل آسیب پذیر بودن این آثار، مقدار قابل توجهی از آنها باقی نمانده و قطعات بازمانده نیز بیشتر در خارج از مرزهای ایران یافت شده، که منسوب دانستن آن را به کارگاه های ساسانی مشکل می سازد (گدار، ۱۳۷۷، ۲۹۸). برای شناسایی و بررسی نقوش متقابل در هنر ساسانی، می توان به دیگر آثار باقی مانده از این دوران، همچون حجاری ها رجوع نمود. نقوش برجسته طاقبستان نمونه بارز آن است. در این نقش برجسته، شکارگران و شاه لباس هایی برتن دارند، که پارچه هایی به سبک ساسانی مزین به نقوش سیمرغ، پرنده گان و دیگر آرایه های گیاهی است. که به شکل متقارن (روبرویی و پشت به پشت) درون قاب های دایره ای قرار گرفته اند (ریاضی، ۱۳۸۲، ۱۰۴-۹۹).

نحوه اجرای برخی از نقوش حجاری ها نیز از تقارن و تقابل دوتایی تبعیت نموده است. نمونه آن را می توان در نقش رستم (صحنه تاج گیری اردشیر اول) مشاهده نمود. در این اثر خدا و شاه، هردو بر اسب سوارند. اسب ها به شکل کاملاً متقارن قرار گرفته اند، و دشمنان خدا و شاه بر زیر سم آنها افتاده اند (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۱۳۲).



تصویر ۴: نقش رستم، تاج گیری اردشیر اول، سده سوم میلادی (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۱۳۲)

تقریباً تمام پارچه های ساسانی در خارج از مرزهای ایران و در نواحی دوردست یافت شده اند که می توان ریشه این امر را در اعتقادات مذهبی مردم ایران جستجو کرد؛ زیرا اعتقاد به مذهب زرتشت مانع از تدفین مردگان بوده است. ایرانیان مردگان خود را به خاک نمی سپردند، آنها را در پارچه های گران قیمت می پیچیدند (واندبرگ، ۱۳۷۹، ۲۲۵). با وجود آنکه قطعات اصیل پارچه های ایرانی کمیاب هستند، می توان تعدادی از این قطعات یافت شده را به کارگاه های ساسانی منسوب ساخت. این قطعات در موزه ها و گنجینه های کلیساهای اروپا نگهداری می شدند. «از ابتدای سال هزار میلادی، تجارت اشیای متبرک مقدسان رواج عجیبی یافت. هر عبادتگاه می خواست که مالکیت استخوان های پارسایان مسیحی را داشته باشد، و برای آنکه این استخوان ها را از شرق بیاورند، آنها را در پربهاترین بافته ها می پیچیدند. به این ترتیب این پارچه های کهنسال که در صندوق های متبرک محفوظ مانده بودند، به دوران ما رسیده اند» (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۲۷). نمونه این پارچه ها قطعه ای است ابریشمی، که دو شیر ایستاده و غیر طبیعی را که در برابر یک درخت نشان می دهد. شیرها رو در روی هم هستند و یک درخت آن دو را از هم جدا ساخته است. تمام موتیف ها درون قاب های دایره ای شکل مماس برهم، موسوم به مدالیون، محصور شده است. مدالیون ها، که از موتیف های مورد علاقه هنرمندان در دوران ساسانی بودند، در ترکیب بندی متقارن برای جداسازی هر واحد نقش به کار می رفتند.

طرح یک جفت بز کوهی، که کنار درخت مقدس قرار گرفته‌اند، طاووس، اسب و گاو بالدار و... از نقوش مورد علاقه هنرمندان ایرانی بوده، که جهت تزئین گچبری‌ها و مهرهای ساسانی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند (گاتر، جت، ۱۳۸۳، ۱۷۸).



تصویر ۵: دو حیوان شاخدار در مقابل درخت، مهر ساسانی (تذهیبی، ۱۳۸۸، ۲۲۲)

گران‌بهارترین و نفیس‌ترین آثار کشور مغلوب می‌شد. به عنوان مثال سربازان هراکلیوس بعد از فتح کاخ دستگرد (خسرو دوم) در سال ۶۲۷ میلادی، علاوه بر مقداری ابریشم خام، انبوهی جامه‌های ابریشمی و فرش‌های گران‌بهای گلدار و ابریشمی را به عنوان غنیمت با خود بردند (Pope, 1960: 691).

به تبع جنگ‌های پیاپی، انعقاد صلح‌های مشروط نیز اجتناب‌ناپذیر بود. به هنگام صلح، نمایندگان سفارت‌ها همواره میان دو امپراتوری، برای مذاکره در باب پیمان‌های صلح و یا مذاکره در باب آزادسازی اسیران جنگی و... رفت و آمد می‌کردند. این مراسم با تشریفات و رد و بدل کردن هدایای بسیار همراه بود (جان آبری و دیگران، ۱۳۸۴، ۵۹). از مهمترین هدایای دربار ایران برای نمایندگان بیزانس، منسوجات ابریشمی باشکوه، البسه‌های فاخر و گران‌بها بود، که طبق سنت ایرانی به بزرگان هدیه می‌شد. عظمت و شکوه دربار ایران و زیبایی پارچه‌های فاخر البسه شاهی و تجملات دربارهای ایران، پادشاهان بیزانس را به تقلید از هنر و تزئینات دربار ساسانیان تشویق می‌نمود (آکوریگ، ۱۳۸۰، ۵۷).

"جاده ابریشم" که شرق را به غرب متصل می‌سازد مهمترین راه تجاری ما بین ایران و روم به شمار می‌آمد. این راه را میتوان عامل اصلی در تبادل فرهنگ‌های گوناگون به شمار آورد (Bloom, Blair, 1998, 98). این راه از سرزمین کاشغر تا جنوب آسیای میانه کشیده شده بود، که بعد از گذشتن از خراسان، ری و همدان به "تصبیین" می‌رسید، و از آنجا به کنستانتینوپولیس امتداد می‌یافت (رضا، ۱۳۶۵، ۹۳). پس از پیروزی‌های پر دامنه خسرو اول، صنعت پارچه بافی در ایران گسترده‌تر گشت. ابریشم خام از طریق جاده ابریشم از چین وارد می‌شد، و در ایران تبدیل به پارچه‌های پرنقش و نگار می‌گشت و جهت صادرات به غرب عرضه میشد. بافته‌های ایرانی در غرب از ارزش بسیار فراوانی برخوردار بودند (هرمان، ۱۳۷۳، ۱۵۰).

سوریه، مصر و ارمنستان را می‌توان از دیگر راه‌های ارتباطی ایران و بیزانس دانست. به هنگام مرگ امپراتور ژوستینیان (۵۶۵م) و انقلاب بیزانس، ایرانیان از این فرصت استفاده کردند و بخش‌های وسیعی از سرزمین بیزانس، از جمله سوریه و مصر را به تصرف خود درآوردند. این بخش‌ها از ۶۰۲ م. تا ۶۲۲ م. (حدود ۲۰ سال) تحت فرمانروایی ایران بود، یعنی تا زمانی که هراکلیوس دوباره توانست این سرزمین‌ها را از ایران باز ستاند (آکوریگ، ۱۳۸۴، ۸۹-۹۲). سوریه و به ویژه انطاکیه از مهم‌ترین مراکز پارچه بافی روم محسوب می‌شدند، و از سوی دیگر این مراکز خود به لحاظ طراحی منسوجات، تحت تأثیر هنر ایران قرار داشتند، و از این طریق بسیاری از نقوش را به بیزانس منتقل ساختند.

♦ روابط ایران و بیزانس و نحوه انتقال نقوش

همسایگی دو قدرت بزرگ ایران و بیزانس، ارتباط میان آن دو را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. روابط ایران و بیزانس بیش از هر چیز شامل یک سری جنگ‌های دنباله‌دار بود، که در سال‌های ۵۰۲ تا ۵۰۶ و ۵۲۷ تا ۵۶۱ و ۶۰۲ تا ۶۹۲ رخ داد (دریایی، ۱۳۸۴، ۴۷). یکی از مهمترین دلایل این کشمکش‌ها، دفاع ایران از انحصارهای اقتصادی و تجاری‌اش، در مورد حق عبور ابریشم خاور دور بود. ابریشم چینی در دست ایرانیان بود و رومیان مجبور بودند هر بهایی را که ایشان بطلبند، بپردازند. چراکه در بیزانس مصرف ابریشم بیش از پیش افزایش می‌یافت و موقعیت مذهبی جدید، راه‌های نوینی را برای استفاده از ابریشم گشوده بود (بولنوا، ۱۳۸۱، ۱۴۷). هدف ایران از در دست داشتن راه ابریشم، افزایش گردش کالا نبود، بلکه درواقع ضعیف کردن رومیان بود. دولت ایران همواره بهای ابریشم را بالا می‌برد تا از این رهگذر، از روم شرقی طلا و پول بیشتری به چنگ آورد، و امپراتوری بیزانس را از لحاظ اقتصادی و نظامی ضعیف کند. بدیهی است که دولت روم شرقی نیز نمی‌توانست به چنین سیاستی از سوی دولت ایران تن در دهد. از این رو همواره خصومت و دشمنی با ایران را در پیش می‌گرفت (رضا، ۱۳۶۵، ۹۴).

جنگ‌های میان دو امپراتوری بر سر ابریشم و زمین‌خواهی، در تأثیر فرهنگ و هنر آنها بر یکدیگر بسیار با اهمیت است؛ چراکه کشور فاتح علاوه بر زمین، مالک

آغاز می‌شود و به مدت یازده قرن ادامه می‌یابد. مهمترین اتفاق در طول این دوران، جنبش "شمایل شکنان"^۳ بود، که بین سالهای ۷۲۶ م. تا ۸۴۳ م. رخ داد و بر هنر بیزانس تاثیر زیادی گذاشت (توبین بی، ۱۳۷۸، ۴۷۸). امپراتور "لئوی سوم" رسماً استفاده از تصاویر قدیسین را در هنر ممنوع اعلام کرد. بسیاری از آثار هنری و دینی سوزانده شد و از بین رفت (پاکباز، ۱۳۸۶، ۳۳۳). در چنین شرایطی هنر بیزانس راه‌های دیگری برای ادامه حیات خویش در پیش گرفت، و توجه خود را به هنر غیر شمایی و نمادین معطوف داشت.

– با آغاز دوران شمایل شکنی، عناصر و موتیف‌های هنر ساسانی که جنبه نمادین داشتند، جای خود را در میان هنر بیزانس باز نمودند و الهام بخش هنرمندان این دوران گشتند. مفاهیم نمادین، نقش مایه‌های حیوانی و گیاهی هنر ایران مانند طاووس، ماهی، درخت مو و... زمینه جدیدی را برای نمادپردازی هنرمندان بیزانس فراهم ساختند (همان). برای نمونه طاووس در فرهنگ ایران نمادی است از بهشت، که در فرهنگ مسیحی به عنوان نشانه‌ای از رستخیز مسیح شد. درخت مو که در هنر ساسانی نمادی از درخت زندگی بود، در هنر بیزانس نمادی از خون‌رهایی بخش مسیح گشت (کاردرنر، ۱۳۶۹، ۲۲۴).

– ابریشم خام از طریق چین وارد ایران می‌شد و بعد از یافته‌شدن، از راه‌های زمینی ایران وارد بین‌النهرین می‌شدند. منسوجات ایران و بعدها سوریه، در جهان بیزانس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند، و حتی نخستین بافندگان از شرق به بیزانس فرستاده شدند. حتی علیرغم ایجاد بازارهایی در این سرزمین، همچنان ماهیت کارهای آنها تا پایان این عصر، حالت سنتی خود را حفظ کرد (Talbot Rice, 1997, 71).

– سوریه، مصر و به ویژه ارمنستان، از دیگر راه‌های انتقال نقوش و عناصر هنر ایران به بیزانس بودند، چراکه این سرزمین‌ها، گاه جزئی از قلمرو بیزانس بودند و گاه به تصرف ایران در می‌آمدند. "انطاکیه"^۴ در صنعت نساجی بسیار متأثر از ایران بود. «نقوش جانوران و پرندگان به صورت قرینه و یا اسب سواران و شکارگران، که دارای اصل و منشاء ایرانی بودند، از نقوشی بودند که توسط بافندگان سوریه‌ای ارایه می‌شدند.» (Ibid, 43).

– روابط ایران و بیزانس حتی پس از پیروزی اسلام نیز ادامه یافت. مسلمانان در برخورد با تمدن ثابت و شهرنشین در ایران، به سرعت در فرهنگ و هنر آن جذب شدند و بسیاری از عناصر آن را فراگرفتند. در نتیجه، تداوم استفاده از عناصر وابسته به فرهنگ ایران، در هنر بیزانس همچنان ادامه یافت (جان آربری و دیگران، ۱۳۸۴، ۶۸).

سوریه، انطاکیه و مصر از بخش‌هایی بودند که از لحاظ صنعتی شهرت بسیار داشتند و دارای پیشه‌وران و صنعتگران ماهری در زمینه‌های گوناگون، بخصوص در زمینه پارچه بافی، بودند. بعضی از پادشاهان ساسانی با آگاهی از این امر، طی لشکرکشی‌های خود به این مناطق، این صنعتگران را به ایران منتقل ساخته و آنها را در بخش‌هایی از ایران اسکان می‌دادند. نمونه آن اسیرانی بودند که شاپور اول در لشکرکشی‌های خود از سوریه آورده بود و در خوزستان اسکان داد (Harris, 1993, 75). این صنعتگران که اغلب مسیحی بودند در دوران آزارهای مذهبی به روم شرقی فرار می‌کردند و از عوامل مهم در انتقال نقوش به آن سرزمین به شمار می‌روند.

◆ دلایل تأثیرپذیری هنر بیزانس از نقوش متقارن در هنر ساسانی

– ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، مهمترین معبر تجاری میان هند و آسیای مرکزی، روسیه و دریای مدیترانه به شمار می‌آمد. این موقعیت تجاری بعد از شکل‌گیری راه ابریشم دوچندان گشت و ایران را به شاه‌رگ حیاتی تجارت شرق و غرب بدل ساخت. ایرانیان نیز از این فرصت استفاده کردند و انحصار تجارت ابریشم از شرق به غرب را در دست گرفتند (Matte, 1999:1). همچنین باید یادآور شد که همراه با تجارت البسه و پارچه‌های ابریشمی، ظروف سیمین و زرین، نقش مایه‌ها و عناصر هنری نیز به کشورهای همسایه از جمله بیزانس منتقل می‌شدند (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۲۶).

– در مقابل پارچه‌های ساسانی که بسیار منقش و پر زر و زیور بودند، لباس‌های رومی از پارچه‌های سفید و بی‌آرایه تهیه می‌شد. طیف وسیعی از نقوش متقارن از طریق پارچه‌های ایرانی وارد هنر بیزانس شدند. همچنان که "ویل دورانت" می‌نویسد: «از ... ایران، از ... سوریه، از ... مصر، عوامل تأثیرگذار ... شرقی به داخل بیزانتیوم سرازیر شدند. شرق آرایه مجلل را به سادگی خشک و خشن، لباس ابریشمی زیبا را بر ردای بدریخت ترجیح می‌داد» (آ. کوریک، ۱۳۸۴، ۵۷).

– استفاده از منسوجات گران‌بها در مذهب مسیحی رواج زیادی داشت. «پربرهاترین تزئینات کلیساهای بزرگ مسیحی، دیوارپوش‌ها و پرده‌های شرقی بودند، که آنها را در پیش درها و بین ستون‌ها می‌آویختند. این پرده‌ها حرم‌های مقدس را از نظر پنهان می‌داشتند، و یا روی ضریح‌هایی را که در آنها پیشوایان مذهبی و شهدا آرام گرفته بودند، تزئین می‌کردند» (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۲۷).

– هنر بیزانس هنری است کاملاً دینی و در خدمت کلیسا، که بعد از پذیرفتن مسیحیت از جانب کنستانتین

♦ وجوه اشتراک و افتراق در نقوش

روبان‌های در حال احتزاز در آثار دوران بیزانس، دال بر تأثیراتی است که، هنر ساسانی بر هنرمندان این دوران داشته است. – استفاده از نقش درخت زندگی به عنوان عنصر واسط. میان نقوش متقارن، از دیگر وجوه اشتراک به شمار می‌آید. این درخت نمادی از جاودانگی و بیمرگی است و ریشه‌های کاملاً شرقی دارد.

– نقوش متقارن در اغلب موارد داخل قابهای دایره‌های شکل، موسوم به "مدالیون"^۷ قرار گرفته‌اند. این قاب‌ها خود از شاخصه‌های هنری ساسانیان به شمار می‌آیند.

– نقش شکار از نقوش مهم در هنر ساسانی، به خصوص در هنر فلزکاری، است. این نقوش بدون تغییر و به همان شیوه، پارچه‌های ابریشمی بیزانس را تزئین نموده و بیش از دیگر نقوش مورد توجه هنرمندان بیزانس قرار گرفتند (گدار، ۱۳۷۷، ۲۹۸).

الف. اشتراکات در نقوش متقابل در هنر ساسانی و بیزانس
– نقش پرندگان، که در هنر ایران نمادی از خورشید یا خدایان اهورایی بودند، در هنر بیزانس نیز رواج یافتند. به عنوان مثال عقاب نمادی از مسیح، طاووس نماد خورشید و جاودانگی و یا خروس، که همچون مسیح بشارت دهنده روز است، از نقوش مشترک در این زمینه بودند.
– برخی از حیوانات چهار پا مانند گراز، نماد "ورث‌غنه"^۵، شیر نماد عهد و پیمان، قوچ نماد شاهی و فر ایزدی و یا بزکوهی به عنوان نگهبان درخت زندگی، که از نقوش پرکاربرد به ویژه در آثار فلزی و منسوجات دوران ساسانی بودند، در هنر بیزانس نیز به وفور مورد استفاده قرار گرفتند.
– روبان‌های سلطنتی از نمادهای ویژه پادشاهان ساسانی است، که نشانهای از "خورنه"^۶ شاهان می‌باشند. استفاده از این

جدول شماره ۱: وجوه اشتراک نقوش متقابل در هنر ساسانی و بیزانس

وجه اشتراک	بیزانس	ساسانی	ردیف
کاربرد پرندگان متقابل (نماد خورشید) در برابر درخت زندگی			۱
	نقش برجسته مرمرین، ۱۱-۱۲م، طاووس‌های متقابل همراه با درخت زندگی، کلیسای سنمارک در ونیز (منبع: ۵ لاتین)	پارچه ابریشمی، دوران ساسانی، مجموعه مارسل گورین، پاریس (منبع: ۴ لاتین)	
کاربرد حیوانات چهارپا (مانند نقش شیر (به شکل قرینه در مقابل درخت زندگی)).			۲
	تخت ماکسیمیان (سقف اعظم راونا)، کنده کاری روی عاج، ۵۵۰ م. (منبع: ۵ لاتین)	منسوج ابریشمی، شیرهای متقابل، ایران شرقی، سده‌های ۸-۹ م. موزه لورن در نانسی	
استفاده از روبان‌های سلطنتی از ویژگی‌های هنر ساسانیان است.			۳
	پارچه ابریشمی، نقش دو سوارکار در حال شکار شیر، بیزانس، ۸ م. لیون (منبع: ۵ لاتین)	پارچه ابریشمی، دوران ساسانی، دوغاز که از گردن به هم گره خورده‌اند (منبع: ۷ لاتین)	

ردیف	ساسانی	بیزانس	وجه اشتراک
۴	 <p>بشقاب فلزی، قرن ۷-۶م، نقره زراندود، مجموعه آرتور، ام. سالکر (منبع: ۱۵ فارسی)</p>	 <p>منسوج ابریشمی با صحنه شکارشیر، ۸م. طرح مدادی از تصویر ۶ جدول (منبع: ۲۲ لاتین)</p>	<p>استفاده از نقش درخت زندگی همچون محور تقارن و حیوانات محافظ که دو طرف آن به شکل قرینه قرار گرفته‌اند.</p>
۵	 <p>برگرفته از تصویر شیرهای متقابل (تصویر شماره ۲)</p>	 <p>برگرفته از تصویر بهرام گور در حال شکار، طرح مدادی از تصویر شماره ۶ جدول</p>	<p>در اغلب موارد نقوش متقارن توسط قاب‌های دایره‌ای محصور گشته‌اند.</p>
۶	 <p>منسوج ابریشمی با صحنه بهرام گور در حال شکارشیر، ۸م. (منبع: ۲۲ لاتین)</p>	 <p>(طرح مدادی از تصویر رنگی سمت راست) استفاده از نقش شکار که مختص به هنر ساسانی است، این اثر به طور کامل از هنر فلزکاری ایران تقلید شده است.</p>	

که به صورت نقش منفرد بوده، وارد هنر بیزانس شده، و در ترکیب نقوش متقارن در پارچه‌های بیزانس کاربرد بیشتری پیدا نموده است.

– استفاده از داستان‌های دین مسیح و یا اسطوره‌های مربوط به فرهنگ رومی از مضامین متفاوت در کاربرد نقوش متقارن هنر بیزانس هستند.

– مفاهیم نمادین نقوش، با توجه به کاربرد آن در دین مسیح، تغییر نموده و بار معنایی تازه‌ای را به خود گرفتند.

– استفاده از نقوش جدید چون کبوتر، فرشتگان بالدار و دیگر عناصر نمادین، وابسته به فرهنگ مسیحی از دیگر نقاط افتراق در این زمینه است.

ب. افتراقات در نقوش متقابل در هنر ساسانی و بیزانس

– عنصر سومی که چون محور تقارن، در میان نقوش متقابل قرار می‌گیرد، در هنر ایران یا درخت زندگی است یا آتشدان، که نمادی از دین زرتشت است. این عنصر در هنر بیزانس گاهی با نقش مسیح، قدیسین و یا صلیب، جایگزین شده است.

– نقوش متقارن در هنر ساسانی ساده‌تر بوده و بیشتر به جنبه‌ی تزئینی و نمادین آنها توجه شده است، اما در هنر بیزانس از جزئیات بیشتری برخوردار گشته و بیشتر به نقاشی تمایل دارند.

– نقش شکار احتمالاً به واسطه‌ی ظروف سیمین ساسانی،

جدول شماره ۲: وجوه افتراق نقوش متقابل در هنر ساسانی و بیزانس ساسانی بیزانس

تفاوت‌ها	بیزانس	ساسانی	ردیف
درخت زندگی در هنر بیزانس، گاه با عناصر مربوط به هنر مسیحی مانند صلیب جایگزین شده است.	 <p>تخت ماکسیمیان (اسقف اعظم روم). کنده‌کاری روی عاج، ۵۵۰ م. (منبع: ۵ لاتین)</p>		۱
کاربرد نقوش متقارن در هنر ساسانی بیشتر جنبه تزئینی داشته، اما در هنر بیزانس بیشتر به نقاشی نزدیک شده و دارای جزئیات بسیار زیادی گردید.	 <p>منسوج ابریشمی با صحنه بهرام گور در حال شکار شیر، ۸ م. (منبع: ۲ لاتین)</p>		۲
استفاده از نقش شکار همراه با ظروف سیمین ساسانی وارد هنر بیزانس شده است.		 <p>بشقاب فلزکاری شده، نقش شکار، ساسانی، ۴ م. نمایشگاه هنر فریر (منبع: ۱۵ فارسی)</p>	۳
استفاده از مضامین متفاوت در کاربرد نقوش متقارن، مانند سامسون در حال شکار شیر، که داستانی برگرفته از عصر کلاسیک است	 <p>منسوج ابریشمی، سامسون در حال شکار شیر، بیزانس، ۸ م. واتیکان، موزه آلبرت (منبع: ۱۵ لاتین)</p>		۴
(نمادهای هنر ساسانی بعد از ورود به هنر بیزانس، مفاهیم تازه‌ای (در ارتباط با دین مسیح) یافتند.		 <p>(درخت تاک همراه با نقش طاووس و دیگر پرندگان)</p>	۵

ردیف	ساسانی	بیزانس	تفاوت‌ها
۶			<p>جایگزین نمودن نمادهای وابسته به هنر مسیحی و یونانی به جای نمادهای رایج در هنر ایران.</p>
		<p>موزاییک تزئینی، داخل کاخ پالمرو، ۱۱۷۰-۱۱۶۰ م. (منبع: ۵ لاتین)</p>	

◆ نتیجه‌گیری

عناصر و نقش‌مایه‌های هنر ساسانی را، که در نقاشی‌ها، نقش و نگار منسوجات، فلزکاری و... به طور گسترده بروز نموده‌اند، مجموعه هنری بودند، که به نحو تدریجی، نفوذ خود را در راه‌های بازرگانی از غرب تا شرق باز نمودند، و بازار گرم و گسترده‌ای را در بیزانس پیدا نمودند. باتوجه به موارد ذکر شده در ارتباط با روابط ایران و بیزانس، تأثیر هنر ایران بر روم شرقی به وضوح روشن می‌گردد.

انتقال طرح‌ها و موتیف‌ها، به طور کلی بیشتر به شکل یک جانبه و از شرق به غرب بوده و تقریباً بدون وقفه در سرتاسر ادوار اولیه بیزانس و شاهنشاهی ساسانی (از قرن ۴ تا ۷ م.) ادامه داشته است. به طور خلاصه عناصر و نقش‌مایه‌های هنر ایران، به خصوص نقوش متقارن، در دنیای بیزانس، با نمودها و فرم‌های متفاوتی بروز نموده است، که میتوان به سه دسته اصلی خلاصه نمود:

- کپی‌برداری از اشیا و نقش‌مایه‌هایی که از طریق راه‌های تجاری از ایران به بیزانس وارد می‌شد و بدون تفاوت اساسی مورد تقلید قرار می‌گرفت.

- الهام گرفتن از سبک‌پردازی و نمادپردازی هنر ایران، به خصوص در دوران شمالی شگنی. در این مورد خاص، گاهی حتی طرح‌ها و عناصر هنری به طور کامل مورد تقلید قرار نمی‌گرفت و تنها سبک و مفهوم اصلی و پنهانی نقش‌مایه‌ها جذب می‌شد، که بیشتر جنبه مذهبی داشتند.

- ایجاد سبکی ترکیبی از شاخصه‌های هنری ایران و بیزانس. در این شیوه علاوه بر تقلید از نقوش و یا حتی مفاهیم معنوی آنها، ارزش‌های زیباشناختی دین مسیح نیز از نظر دور نمی‌ماند و ترکیبی از هنر ایرانی بیزانسی را به وجود می‌آورد.

◆ پی‌نوشت

۱- جاده تجاری ابریشم توسط "وتی" امپراتور سلسله "هان"، در زمان اشکانیان، به شکل منسجم برقرار شد و بیشتر به

منظور فروش ابریشم خام به کشورهای اروپایی شکل گرفت.

۲- نصیبین شهری است واقع در استان ماردین در جنوب ترکیه، که در دوران ساسانی به موجب قراردادهایی که در ۲۹۷ و ۴۰۸ م. بین ایران و امپراتوری روم شرقی بسته شد، این شهر به عنوان کانون تجارت ابریشم بازرگانان ایرانی و بیزانسی تبدیل شد.

۳- با آغاز این دوران، هنر بیزانس دورانی جدید را آغاز کرد. هنرهای غیر شمایی همچون معماری، کتابت، هنرهای تزئینی و نقوش هندسی و نمادین و موزاییک‌سازی و نساجی رونق بیشتری یافت. آنها کوشیدند با زدودن تصویر موجودات جاندار در این هنرها، به جوهره زیبایی نقش و فرم به صورت ناب دست یابند. پرستش شمایل جای خود را به پرستش نمادها و تمثیل‌هایی داد که به امر مقدس و معنوی و الهی اشاره داشتند.

۴- انطاکیه نام شهری است باستانی در سمت شرقی رود اورونتس. این شهر در پایان سده چهارم پیش از میلاد توسط سلوکوس اول بنا نهاده شد.

۵- ورث‌رغنه (بهرام) از ایزدان زرتشتی است که در نقش پرنده تیزپرواز و گراز، محبوبیت بیشتری دارد.

۶- خورنه شاه به عنوان امری الزامی جهت گزینش الهی او به عنوان فرمانروا تلقی می‌شد. خورنه تأییری پایدار بر پادشاهی ساسانیان داشت. از این رو هرکس که دارای خورنه میشد فرمانروای به حق بود و هر شورش علیه او محکوم به شکست بود.

◆ فهرست منابع

- ۱- آ. کوریک، جیمز، امپراتوری بیزانس، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران، نشر ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۲- بولنوا، لوس، راه ابریشم، ترجمه: ملک ناصر نوبان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۳- تدهیبی، مسعود و فریده، شهبازی، نقش‌مایه‌های ایرانی، تهران، انتشارات سروش، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.

- ۴- توین بی، آرنولد، **تاریخ تمدن از آغاز تا عصر حاضر**، ترجمه: یعقوب آزند، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول
- ۵- پاکباز، روئین، **دایرةالمعارف هنر**، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- ۶- جان آبروی، آرتور و دیگران، ۱۳۸۴، **میراث ایران**، بیرشک، احمد و دیگران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۷- دریایی، تورج، **تاریخ و فرهنگ ساسانی**، ترجمه: مهرداد قدرت دیزجی، تهران، نشر ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ۸- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ، **تاریخ ایران باستان**، ترجمه: روحی اربابی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۹- رضا، عنایت‌الله، **ایران و ترکان در روزگار ساسانیان**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۱۰- روح‌فر، زهره، **نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی**، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۱- ریاضی، محمد رضا، **طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی**، تهران، انتشارات گنجینه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۲- شپرد، دوروتی، **هنر ساسانی در تاریخ ایران کمبریج**، انوشه، حسن، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۳- گاردنر، هلن، **هنر در گذر زمان**، ترجمه: محمد تقی فرامرزی، تیران، انتشارات نگاه و آگاه، ۱۳۶۹.
- ۱۴- گانتر، آن‌سی و جت، پل، **فلزکاری ایران در دوران هخامنشی**، اشکانی، ساسانی، ترجمه: شهرام حیدرآبادیان، تهران، نشر گنجینه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۵- گدار، آندره، **هنر ایران**، حبیبی، بهروز، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۷۷.
- ۱۶- گیرشمن، رمان، **هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی**، فره‌وشی، بهرام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۷- واندنبرگ، لویی، **باستان‌شناسی ایران باستان**، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- وزیر، علینقی، **زیبایی‌شناسی در طبیعت و هنر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۹- ویسهورفر، ژوزف، **ایران باستان (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ بعد از میلاد)**، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵.
- ۲۰- هرمان، جورجیانا، **تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان**، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- 21- Bloom, Jonathan & Sheila, Blair, **Phaidon**, London, British library, 1998.
- 22- Harris, Jennifer, **5000 Years of Textiles**, London, British Museum Press, 1993.
- 23- P. Matthee Rudolph, **The Politics of Trade in Safavid Iran: Silk for Silver**, Cambridge University Press, 1999.
- 24- Pope, Arthur Upham, **A Survey of Persian Art**, Oxford University Press, vol;1 , part2, 1960.
- 25- Talbot Rice, David, **Art of the Byzantine Era**, London, Thames & Hudson World of Art, 1997.
- 26- Trilling, James, **The Language of Ornament**, London, Thames & Hudson World of Art, 2001.
- 27- http://www.flickr.com/photos/27305838_@_N04/4371301142/ / in/ photostream/ (1/6/20011)

